



سندی که 32 سال قبل خبر از ظهور «داعش» داد/ صهیونیست‌ها چگونه اتفاقات دنیا را مدیریت می‌کنند؟

ترجمه و انتشار سندی به نام «کیوونیم» توسط یک خاخام یهودی ثابت می‌کند، سنگ بنای آنچه امروزه «داعش» خوانده می‌شود، بیش از سه دهه قبل توسط صهیونیست‌ها در منطقه نهاده شده است.

به گزارش آران نیوز: بحران‌ها و تحولات امنیتی و نظامی که در منطقه از سال 2011 میلادی تاکنون شاهد آن هستیم و چند سالی است، برخی از کشورهای منطقه مانند سوریه و عراق را درگیر خود کرده، زاینده اتفاق و تصادف نیست، بلکه نتیجه مستقیم توطئه‌ای آمریکایی صهیونیستی است که هدف آن ترسیم مجدد خطوط و مرزهای کشورهای منطقه به گونه‌ای است که تامین‌کننده اهداف و منافع واشنگتن و تل‌آویو باشد.

تاکنون گزارش‌های متعددی و خبرهای افشاگرانه بی‌شماری از سوی رسانه‌های منطقه‌ای و خبرگزاری‌های بین‌المللی منتشر شده که هر یک از آنها به نحوی تاکید کرده‌اند، آنچه هم‌اکنون در منطقه جریان دارد، از سال‌ها پیش برای آن تدارک دیده است.

جدیدترین سند از این دست، سندی به نام «وثیقه کیوونیم» است که بار دیگر صحت و درستی گزارش‌ها و خبرهای سابق منتشر شده درباره تحولات منطقه را مورد تاکید قرار می‌دهد و پیشینه طرح تقسیم منطقه را به سه دهه قبل ارجاع می‌دهد. مطلب زیر ترجمه‌ای از این سند است.

سی و دو سال قبل سیزدهم ژوئن 1982 میلادی «اسرائیل شاحاک»، خاخام یهودی اقدام به ترجمه متنی نمود که به سند «کیوونیم» معروف شد، سندی که نشان از نقشه‌ای صهیونیستی برای تجزیه تمام کشورهای عربی منطقه بدون استثنا داشت. برای این نقشه صهیونیستی از کشور عراق با تقسیم آن به سه کشور کوچک سنی، شیعی و کردنشین آغاز می‌شد و تهیه کنندگان آن بر این باور بودند که برای تقسیم کشورهای عربی منطقه که حدود 19 کشور را شامل می‌شود، باید بر اختلافات و شکاف‌های دینی و طایفه‌ای در آنها تمرکز کرد.

این سند تقسیم‌بندی کنونی کشورهای عربی در منطقه را تقسیم‌بندی موقت خوانده و اشاعه نفرت و دشمنی و خصومت ورزی بین طوایف ساکن این کشورها را بهترین راهبرد برای تغییر مرزبندی‌های موجود و ایجاد مرزهای جدید در منطقه عنوان می‌کند.

بر این اساس کارشناسان منطقه تاکید می‌کنند، آنچه اکنون در عراق و سوریه جریان دارد و آنچه در سودان و مصر به وقوع پیوسته در حقیقت اجرای بندهای این سند است.

سندی که 32 سال قبل خبر از «داعش» داد/ صهیونیست‌ها چگونه اتفاقات دنیا را مدیریت می‌کنند/ آماده انتشار/ آقای غلامی سند کیوونیم

یک: نگاه کلی به جهان عرب و جهان اسلام

- جهان عرب و جهان اسلام به مثابه برجی کاغذی است که بیگانگان (فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها) آن را در دهه بیست قرن گذشته بدون توجه به خواسته‌ها و چشم داشت‌های ساکنان این دو جهان آن را بنا کردند.

- این دو جهان به 19 کشور تقسیم شده است که هریک از آنها آمیزه‌ای از اقلیت‌ها و طوایف و مذاهب مختلف است که با یکدیگر در نزاع و درگیری هستند، به همین دلیل همه کشورهای عربی و اسلامی امروزه در معرض خطر تقسیم و تجزیه براساس تقسیم‌بندی‌های نژادی و طایفه‌ای و مذهبی قرار دارند و این نقشه باید با راهبرد برافروختن آتش جنگ‌های داخلی در برخی از این کشورها پیاده شود.

- اگر به شرایط فوق، وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه را نیز بیفزاییم، خواهیم دید، توصیف این کشورها به برجی کاغذی توصیفی دقیق بوده و بر این اساس این کشورها توان دفاع و حمایت از خود در برابر مشکلات و چالش‌های خطرناکی با آن مواجه هستند، را ندارند.

- در این دنیای بزرگ و متفرق، اقلیت‌های بسیار ثروتمند و مردمان فقیر و مستمندی زندگی می‌کنند، به گونه‌ای که میانگین درآمد سالیانه اغلب این اعراب بیش از 300 دلار نیست.

- این وضعیت حاکم بر کشورهای پیرامون اسرائیل است، اما در عین حال که این وضعیت برای اسرائیل چالش‌ها و مشکلات و خطراتی ایجاد می‌کند، فرصت‌های بزرگی نیز ایجاد می‌کند.

دو: مصر

- در کشور مصر اکثریت اهل سنتی در کنار اقلیت بزرگی از مسیحیان زندگی می‌کنند که نسبت بالایی از جمعیت - در حدود 80 درصد - را تشکیل می‌دهند. «انور سادات»، رئیس‌جمهوری اسبق مصر ماه مه سال 1980 میلادی در سخنانی گفته بود که از این بیم دارد، مبدا این اقلیت مسیحی خواستار تشکیل دولتی مستقل همانند مسیحیان در لبنان برای خود در مصر شوند.

- نیمی از انسان‌های روی زمین در آستانه گرسنگی قرار دارند و 50 درصد این افراد از بیکاری و نداشتن مسکن رنج می‌برند و

اغلب آنها در مناطقی ساکن هستند که پر جمعیت ترین مناطق دنیا شمرده می شود.

سندی که 32 سال قبل خبر از «داعش» داد/ صهیونیست ها چگونه اتفاقات دنیا را مدیریت می کنند/ آماده انتشار/ آقای غلامی

- برخلاف ارتش مردمان گرسنه تابع هیچ قاعده و قانونی نیستند و بر این طیف از مردم هیچ قانونی حاکم نیست.

- روند کمبود بودجه و ناتوانی در باز پرداخت دیون در میان دولت های مصر روندی مستمر و دنباله دار است و دولت این کشور کمک های خارجی وعده داده شده در قبال امضای توافقنامه صلح با اسرائیل موسوم به «کمپ دیوید» را دریافت نکرد.

- بازپس گیری صحرای سینا به همراه تمام منابع و ثروت های طبیعی آن باید یکی از اهداف اصلی و اساسی از نوع درجه اول در نظر گرفته شود. این باور وجود دارد، با بازگرداندن صحرای سینا به مصری ها، آنها به توافقنامه صلح پایمند نخواهند بود و هرآنچه در توان خواهند داشت، به کار خواهند برد تا به آغوش جهان عرب و اسلام بازگردند، در این شرایط تنها راه حل پیش روی ما باز گرداندن شرایط در صحرای سینا به وضعیت سابق آن است.

- مصر به دلیل اختلافات و شکاف های داخلی در بلند مدت خطری علیه موجودیت و امنیت اسرائیل تشکیل نمی دهد و اگر هم چنین خطری احساس شود، به راحتی و به شیوه های مختلف می توان، اوضاع در این کشور را به وضعیت پس از جنگ ژوئن 1967 میلادی باز گرداند.

- اسطوره مصر قدرتمند و راهبر و رهبر جهان عرب در سال 1956 میلادی فروپاشید و زوال و فروپاشی این کشور در سال 1967 میلادی مورد تاکید قرار گرفت.

- با توجه به ساختار سیاسی و ماهیت و بافت داخلی جامعه، همچنین به دلیل تفرقه و اختلاف بین مسلمانان و مسیحیان که در آینده روند شدیدتری به خود خواهد گرفت، مصر بیش از هر زمان دیگر به جسد در حال فروپاشی و تجزیه شبیه است.

تقسیم و تجزیه غرب مصر به مناطق و اقلیم های جغرافیایی جدا از یکدیگر مهمترین هدف سیاسی اسرائیل در دهه هشتاد قرن بیست شمرده می شده است.

- مصر تجزیه شده و تفکیک شده که رهبران متعدد بر هر بخش آن حکومت کنند، درست برخلاف آنچه امروزه شاهد آن هستیم، نه تنها تهدیدی برای اسرائیل تشکیل نمی دهد، بلکه تضمین کننده امنیت و ثبات و استقرار آن برای دوره ای طولانی است و اجرای این طرح اکنون نزد تل آویو در دست بررسی جهت اجراست.

- کشورهای همانند لیبی و سودان و کشورهایی آن سوتر در آینده به شکل کنونی آن، وجود و ماهیت خارجی نخواهند داشت، بلکه آنها نیز همانند مصر در معرض تفکیک و تجزیه قرار خواهند گرفت.

در صورت تفکیک و تجزیه مصر، دیگر کشورها نیز تجزیه و تفکیک خواهند شد، ایده تشکیل دولت قبطی میسیتی در مصر علیا (شمال مصر) در کنار کشورهای کوچک دیگری که قرار است، از تجزیه و تقسیم این کشور تشکیل شوند، دقیقاً برعکس آنچه امروز شاهد آن هستیم، ابزار ما برای ایجاد تغییر و تحولات تاریخی در مصر است.

تقسیم لبنان به 5 اقلیم باید الگویی برای تجزیه و تقسیم دیگر کشورهای منطقه از جمله مصر و سوریه و عراق و عربستان سعودی باشد.

سه: لیبی

از لیبی جنگ های ویرانگری علیه اعراب صورت می گیرد، در حالی که این کشور از جمعیت خالی شده و تنها یکی از اقوام بزرگ این کشور بر لیبی حکومت خواهند کرد و برای حفظ قدرت و حاکمیت خود تلاش خواهد کرد، معاهدات و توافقنامه هایی با کشورهای قدرتمند منطقه منعقد کنند، همان گونه که در گذشته شاهد بودیم، لیبی در زمان سرهنگ قذافی تلاش کرده بود، معاهدات و پیمان هایی با مصر منعقد کند.

چهار: سودان

سودان را باید کشوری با گروه ها، قبایل و طوایف متعدد شمرد که هریک با دیگری بیگانه است و در این بین اقلیت عربی مسلمان بر اکثریتی آفریقایی غیر عرب و همچنین قبایلی مسیحی و بت پرست حکومت می کند.

سندی که 32 سال قبل خبر از «داعش» داد/ صهیونیست ها چگونه اتفاقات دنیا را مدیریت می کنند/ آماده انتشار/ آقای غلامینج: سوریه

- سوریه از حیث ترکیب و ساختار طوایف و گروه های جمعیتی تفاوتی با لبنان ندارد، تنها تفاوت نظام حاکم بر سوریه با لبنان حاکمیت قدرتمند نظامیان است. اما جنگ داخلی واقعی که امروزه بین اکثریت اهل سنت با اقلیت شیعه علوی حاکم بر کشور که تنها 12 درصد از جمعیت را تشکیل می دهد، جریان دارد، نشان دهنده اهمیت موضوع و خطر بزرگی است که در عرصه داخلی این کشور را تهدید می کند.

- تقسیم و تجزیه عراق و سوریه به اقلیم های طایفه ای و مذهبی مستقل در مرحله آتی همانند آنچه در لبنان شاهد آن هستیم، مهمترین هدف اسرائیل در کوتاه مدت در جبهه شرقی خاورمیانه است.

- بر این اساس دولت علوی ها در سوریه محدود به سواحل غربی آن خواهد شد.

- در استان حلب دولتی سنی تشکیل خواهد شد.

- در دمشق نیز دولتی سنی تشکیل خواهد شد، اما دولت سنی تشکیل شده در حلب در ستیز خواهد بود.

- اما دروزی ها دولت خود را در منطقه جولان سوریه تشکیل خواهند داد که اسرائیل بر آن تسلط خواهد یافت.

- همچنین در منطقه حوران و شمال اردن نیز برای تضمین امنیت و ثبات و استقرار منطقه شاهد تشکیل یک دولت خواهیم بود و مقدمات این طرح هم اکنون در حال فراهم شدن است.

شش: عراق

عراق نیز تفاوت چندانی از حیث ساختار اجتماعی و تعدد طوایف و قبایل با کشورهای همجوار خود ندارد، با این تفاوت که شیعیان در این کشور در اکثریت و اهل سنت در اقلیت هستند. 20 درصد از جمعیت عراق را کردها تشکیل می دهند که به عنوان بزرگ ترین اقلیت در شمال این کشور تمرکز دارند. در این بین مطالعات صورت گرفته نشان می دهد، 65 درصد مردم عراق هیچ تاثیری بر تصمیم گیری ها نداشته و فاقد هرگونه مشارکت سیاسی هستند.

- اگر قدرت نظامی نظام حاکم و درآمدهای نفتی نبود، سرنوشت عراق تفاوت چندانی با گذشته لبنان و حال حاضر سوریه نداشت.

- آنچه مایه دل گرمی است که نشانه های تفرقه، اختلافات و جنگ داخلی است که امروزه در افق این کشور قابل ملاحظه است، بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که بسیاری از شیعیان عراق به آن اقتدا و رهبران و روحانیون ایران تبعیت و پیروی می کنند.

- کشور نفت خیز عراق که سرتاسر آن را تفرقه و اختلافات داخلی فرا گرفته، گزینه بعدی برای اجرای طرح اسرائیل و تحقق اهداف آن در این کشور است.

سندی که 32 سال قبل خبر از «داعش» داد/ صهیونیست ها چگونه اتفاقات دنیا را مدیریت می کنند/ آماده انتشار/ آقای غلامی

- تجزیه و تقسیم عراق، بسیار مهم تر از سوریه است، چون از سوریه قدرتمندتر است.

- عراق قدرتمند در کوتاه مدت برای اسرائیل خطری بزرگ تر از هر خطر منطقه ای است.

- اما می توان براساس تقسیمات طایفه ای و مذهبی، عراق را به چندین اقلیم تقسیم کرد، همانند آنچه در سوریه دوران عثمانی رخ داد.

- بر این اساس می توان سه اقلیم و حتی بیشتر در سه شهر عراق ایجاد کرد. اقلیم بصره در جنوب، اقلیم بغداد در مرکز، اقلیم موصل در غرب و اقلیم کردستان در شمال. به این ترتیب اقلیم شیعی بصره در جنوب از اقلیم های سنی بغداد و موصل و کردستان جدا می شود.

هفت: لبنان

- لبنان به دلیل وجود چندین قدرت و نبود قدرت مرکزی متحد و قدرتمند از بُعد سیاسی تکه تکه و از بُعد اقتصادی در حال فروپاشی است، به گونه ای که اکنون 5 قدرت در عرصه سیاسی این کشور قابل مشاهده هستند، مسیحیان مورد حمایت سوریه در شمال به رهبری «سلیمان فرنجه»، شرق لبنان منطقه تحت نفوذ و سیطره مستقیم سوریه است، در مرکز قدرتی مسیحی به رهبری «کتائب» وجود دارد، در جنوب لبنان و تا رود لیتانی سازمان آزادیبخش فلسطین فعالیت دارد، همچنین باید از قدرت «سعد حداد» مسیحی و همچنین تمرکز نیم میلیون شیعی در این جنوب لبنان سخن گفت.

هشت: عربستان سعودی و شیوخ خلیج فارس

- تمام کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و همچنین عربستان سعودی بر پایه و اساسی سست و متزلزل بنا شده اند و موجودیت و بقای خود را مدیون نفت هستند.

- در بحرین شیعیان اقلیت بدون نفوذ هستند، در امارات و عمان با اینکه در اکثریت قرار دارند، اما در قدرت مشارکتی ندارند. در یمن شمالی و جنوبی اقلیت شیعه بزرگ ترین اقلیت کشور هستند.

- نیمی از جمعیت عربستان را مصری ها و یمنی ها و اتباع کشورهای دیگر تشکیل می دهند و قدرت حاکمه در این کشور در اقلیت است. ساختار جمعیتی کویت نیز به همین ترتیب است و تنها یک چهارم جمعیت این کشور بومی هستند.

- عربستان سعودی و شیوخ خلیج فارس در کنار لیبی دارای بزرگ ترین ذخایر نفت جهان هستند، اما از درآمدهای کلان آن تنها اقلیتی کوچک بهره می برند که فاقد هرگونه پشتوانه داخلی و مردمی هستند و حتی دستگاه نظامی در این کشورها قدرت حفظ نظام حاکم و دفاع از آن را ندارد، در مورد عربستان کافی است به آنچه در سال 1980 میلادی در مکه رخ داد، اشاره کنیم.

- منطقه شبه جزیره العرب نمونه کامل فروپاشی و تجزیه در اثر فشارهای داخلی و خارجی است و این موضوع به شکلی خاص کشور عربستان را آن هم در آینده ای نزدیک تهدید می کند. هرج و مرج و فروپاشی داخلی نتیجه حتمی و طبیعی مورد انتظار در عربستان است، چون حکومت در آن بدون هیچ پایه و اساسی بنا شده است.

نه: منطقه مغرب عربی

- مناطق کوهستانی الجزایر شاهد وقوع جنگ داخلی بین دو قبیله از قبایل ساکن این کشور است. این درحالی است که بین دو کشور مغرب و الجزایر نیز اختلافاتی وجود دارد که میراث دوره استعمارگران اسپانیایی است.

- در تونس افراط گرایی دینی وحدت و یکپارچگی این کشور را تهدید می کند.

سندی که 32 سال قبل خبر از «داعش» داد/ صهیونیست ها چگونه اتفاقات دنیا را مدیریت می کنند/ آماده انتشار/ آقای غلامی

ده: ایران، ترکیه، پاکستان و افغانستان

- ساختار جمعیتی در ایران چند زبانه است، نیمی از آنها را فارس زبان ها و نیمی دیگر آذری زبان ها تشکیل می دهند.

- جامعه ترکیه به دو بخش اصلی تقسیم می شود، نیمی از آنها اهل سنت ترک تبار و نیمی دیگر را اقلیت شیعی علوی به عنوان بزرگ ترین اقلیت ترکیه تشکیل می دهند. کردهای اهل سنت اقلیت دیگر ترکیه هستند.

- در افغانستان نیز شیعیان بزرگ ترین اقلیت این کشور هستند و حدود یک سوم جمعیت افغانستان را به خود اختصاص می دهند.

- در پاکستان سنی نیز شیعیان بزرگ ترین اقلیت بوده و موجودیت نظام حاکم را تهدید می کنند.

یازده: اردن و فلسطین اشغالی

- اردن در واقع همان فلسطین است، به نحوی که اقلیتی بدوی از اردنی تبارها در قدرت قرار دارند، در حالی که اکثریت نیروهای نظامی و همچنین شاغلان در دستگاه های اداری و حکومتی این کشور فلسطینی هستند و «امان» پایتخت اردن شهری فلسطینی است و هدف راهبردی و اصلی اسرائیل چه در بلند مدت و چه در کوتاه مدت است، چون هرگونه وحدت و یکپارچگی آن تهدیدی واقعی برای امنیت و موجودیت اسرائیل تشکیل می دهد.

- غیر ممکن است، اردن ساختار و ترکیب کنونی جمعیتی خود را برای مدتی طولانی حفظ کند. راهبرد اسرائیل در قبال این کشور چه با توسل به سلاح باشد، چه مسالمت آمیز، باید به سرنگونی حکومت کنونی اردن و انتقال قدرت به اکثریت فلسطینی منتهی شود.

- راهبرد تغییر قدرت در شرق رود اردن چالش تراکم جمعیت اعراب در کرانه باختری رود اردن را حل خواهد کرد.

سندی که 32 سال قبل خبر از «داعش» داد/ صهیونیست ها چگونه اتفاقات دنیا را مدیریت می کنند/آماده انتشار/ آقای غلامی

- افزایش میانگین مهاجرت از مناطق کرانه باختری، متوقف کردن رشد اقتصادی و جمعیتی، راهبردهای دیگری هستند که برای ایجاد تغییر در دو کرانه رود اردن می توان به آنها متوسل شد.

- در این راستا، نباید به هیچ طرحی مبتنی بر اعطای حکومت خودگردان یا تقسیم مناطق یا حل اختلافات عربی اسرائیلی موافقت کرد.

- در این کشور [فلسطین اشغالی] بدون جدا کردن دو ملت یهود و عرب وجود ندارد. در این بین باید اردن به فلسطینی ها و کرانه باختری به یهودی ها تعلق گیرد.

- همزیستی مسالمت آمیز و صلح واقعی زمانی برقرار خواهد شد که اعراب دریابند، بدون تسلیم خود به یهود و حاکمیت یهودیان از رود تا دریا، ذره ای امنیت و لحظه ای موجودیت نخواهند داشت و امنیت و موجودیت و کیان آنها فقط و فقط در اردن است.

- تبعیض در اسرائیل قرار گرفته در مرزهای 1967 و 1948 هیچ معنا و مفهومی ندارد و در آینده در هر شرایطی باید بپذیرند که تنها راه حل مشکلات اعراب اسرائیل پذیرش موجودیت اسرائیل درمرزهایی امن کشیده شده از رود اردن تا ماورای آن است.

- با توجه به اینکه عصر جدید عصر و دوره هسته ای است که اسرائیل نیز به آن مجهز خواهد شد، نمی توان پذیرفت، سه چهارم یهودیان در نوار ساحلی باریکی به زندگی خود ادامه دهند.

- تجدید نظر در پراکندگی جمعیت یکی از اهداف راهبردی داخلی در درجه اول اسرائیل است و بدون آن نمی توان بقای و موجودیت یهود در چارچوب هرگونه مرزی را تضمین کرد، لذا یهودا و سامره و الجلیل تنها ضامن ادامه بقا و موجودیت اسرائیل است.

- باید اکثریت جمعیتی در مناطق کوهستانی را داشته باشیم، در غیر این صورت نمی توانیم قدرت را در دست گیریم و به صلیبی های دیگری تبدیل می شویم که قدرت و حاکمیت در این مناطق را از دست دادند.

- در این راستا، بازنگری در موازنه راهبردی و اقتصادی جمعیت مهمترین و اصلی ترین هدف اسرائیل در حال حاضر است.

- تسلط بر منابع آبی از بئرسبع گرفته تا الجلیل هدفی قومی برگرفته از یک هدف اصلی راهبردی است و در این راستا، باید یهود در مناطق کوهستانی اسکان داده شوند.

آنچه گذشت، بندهای سند موسوم به «کیوونیم» بود که از دهه هشتاد قرن گذشته تاکنون اسرائیل در حال پیاده کردن آن در منطقه است. نگاهی گذرا و کوتاه به بندهای این سند و مقایسه و مطابقت دادن آن با تحولات جاری در منطقه و بحران های درگیر به آن ثابت می کند که این بحران ها و رخ دادهایی که از سال 2011 میلادی در قالب «بهار عربی» منطقه شاهد آن است، اجرای بندهای این سند و عمل به آن است.